

تربیت را فرا

دکتر میثم صداقت‌زاده



شاید بتوان تربیت را عبارت دانست از فرایند تدریجی رها شدن از وابستگی‌ها. به‌طور کلی، مراتب وابستگی را در انسان می‌توان در سطوح جسمی، طبیعی، مادی، عاطفی، فکری، روحی، خانوادگی، اجتماعی، دنیوی و اخروی ردیابی کرد. انسان در دوره جنینی به مادر خود وابستگی مطلق و حیاتی دارد و پس از تولد، اگر چه در خارج از رحم امکان حیات دارد، اما برای پاسخ‌گویی به نیازهای اولیه خود، کاملاً به خانواده محتاج است.

شدت وابستگی‌ها به تدریج کاهش می‌یابد، به طوری که می‌توان سه دوره هفت‌ساله تربیت را گام‌هایی در جهت استقلال شخصیت انسان نامید. پس از طی دوره اول که اندام‌های حسی و حرکتی نیروی لازم برای زنده ماندن و رفع نیازهای انسان را به دست آوردند، در دوره دوم، انسان نیازمند یادگیری مهارت نحوه رفع نیازهای زیستی و اجتماعی از خانواده و جامعه خواهد بود. سپس مرحله گذار به استقلال کامل را با معاونت و مشاورت مربیان خود سپری خواهد کرد.

بعد از این دوره است که باید مسیر تکامل را با پای خود طی کند. در این مرحله، تربیت متوقف نمی‌شود، بلکه فرایند نفی وابستگی‌ها و رها شدن از جبرها ادامه می‌یابد؛ تا جایی که نه موانع بیرونی، طبیعی و اجتماعی، بلکه امیال و غرایز درونی هم نمی‌توانند از نفوذ اراده او جلوگیری کنند.^۱ در پایان این مسیر و در بالاترین مراتب رشد و ولایت^۲، انسان به جایی خواهد رسید که اراده او در اراده الهی فانی می‌شود و با آزادی از هر دو جهان^۳ و همه غل و زنجیرهای^۴ آن، تنها فقیر و وابسته به آن ذات مقدس خواهد بود.

انسانی که در اصل وجود خود وابسته و عین ربط به خداست، محال است استقلال مطلق داشته باشد، اما می‌توان از تعلق و وابستگی و میزان آن سخن گفت. یکی به‌شدت به مادیات وابسته است و دیگری تنها به خدا! این یعنی میزان رشدیافتگی افراد و جوامع را می‌توان براساس استقلال و وابستگی‌های آن‌ها ارزیابی کرد.

دانش‌آموز رشد نیافته برای تشخیص دست چپ و راست خود نیازمند آموزش است، ولی هر چه پیش می‌رود، اطلاعات وسیع‌تری کسب می‌کند و توانایی بیشتری برای استفاده از این اطلاعات و کشف پدیده‌های جدید می‌یابد. اما هدف از آموزش و تعلیم، نه افزایش داده‌ها، بلکه رشد عقلی و استقلال فکری و زنده کردن قوه ابتکار است.^۵

در ساحت‌های غیرعلمی نیز چنین فرایندی در جریان است. کودک در ابتدا براساس تقلید، تلقین و تعصب، رفتارهای والدین و الگوهای خود را تکرار می‌کند. هر چه بیشتر رشد می‌کند، عمل او پشتوانه نیت و ایمان قوی‌تری می‌یابد و اراده‌ای مستحکم‌تر و مستقل‌تر خواهد یافت.

تربیت در فضای مجازی

مسئله امروز ما استفاده از ارتباطات مجازی برای رشد دانش‌آموز است. این موضوع در ساحت علمی و آموزش مجازی مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. وجود نرم‌افزارهای متعدد آموزش مجازی و روش‌های گوناگون تدریس مجازی از توجه خوب معلمان به این حوزه نشان دارد. اما دیگر حوزه‌های تربیتی چطور؟ آیا از این بستر می‌توان در مسیر رشد دیگر ساحت‌های وجودی انسان بهره برد؟ ابتدا باید این نکته را متذکر شوم که در حوزه آموزش نیز، چنان‌که گفته شد، هدف اصلی ارتقای قوه تفکر و تعقل است و این ابزار نباید تنها برای انتقال مفاهیم و انباشت اطلاعات دانش‌آموزان به کار برود. اما بحث ما از حوزه آموزش وسیع‌تر است. بحث درباره تربیت مجازی است.

اموش نکنیم

فضای مجازی لازمه تربیت در عصر رسانه است، اما باید توجه داشت که این ورود به‌مثابه ورود به پست‌ترین عوالم است و اگر در عوالم بالاتر هدف و باطنی برای او نهادینه نشده باشد، بسیار خطرناک است: «بئس الورد المورود».

اما از یک جهت می‌توان در تربیت کار کرد بسیار مهمی برای فضای مجازی در نظر گرفت. پایه و اساس بسیاری از اقدامات و برنامه‌های تربیتی رایج در مدرسه‌ها و مراکز شبیه به آن، استفاده از نقش محیط در تربیت است. در این قبیل فعالیت‌ها، متربی تحت‌تأثیر دوستان، معلمان، اطرافیان و فضا عملی را انجام می‌دهد یا ترک می‌کند. در چنین شرایطی، اراده او متأثر می‌شود از آنچه بیرون از وجود او در جریان است، و استقلال عمل او تا حدی کمرنگ می‌شود. این در حالی است که تربیت یعنی فرایند استقلال و مستقل‌شدن! در چنین شرایطی می‌توان به سبکی از تربیت رهنمون شد که بنیان آن ایجاد فاصله میان مربی و متربی به‌منظور ایستادن متربی روی پای خود است. در این سبک، مربی برای مستقل شدن متربی خود و رهایی او از وابستگی به محیط، از ارتباط غیرمستقیم با متربی خود بهره می‌برد تا او بتواند بدون تکیه مستقیم و بلندمدت به مربی خود، مسیر رشد ارادی را پیماید. برای این کار می‌توان از پیام‌رسان‌ها و اپلیکیشن‌ها استفاده کرد.

نکته قابل توجه در این باره آن است که استفاده از چنین امکانی متعلق به دوره‌هایی است که شخص ظرفیت لازم را برای مستقل شدن به دست آورده باشد. لذا شاید چنین برنامه‌ای مثلاً برای دوره ابتدایی مناسب نباشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. اشاره به کتاب آزادی معنوی از استاد مطهری
۲. اشاره به کتاب ولاها و ولایت‌ها از استاد مطهری
۳. اشاره به غزل حافظ: فاش می‌گویم و از گفته خود دل شادم / بنده عشقم و از هر دو جهان آزادم
۴. اشاره به آیه: يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ ﴿الأعراف، ۱۵۷﴾
۵. تعلیم و تربیت در اسلام، شهید مطهری، ص ۱۶
۶. سوره هود آیه ۹۸



● اگر قرار باشد شدت و گستره وابستگی‌ها تغییر نکند، ولی متعلق آن پست‌تر شود، گرفتار سقوط و رشد منفی شده‌ایم، نه تربیت تکاملی. ممکن است نوجوان با ورود به فضای مجازی، حضور خود در جهان واقعی را کاهش دهد و وقت و ذهن و توان خود را در عالم مجازی صرف کند. آنچه در چنین شرایطی رخ داده، این است که به‌جای تعالی از جهان طبیعت به عوالم بالاتر، به عالم اعتباری پست‌تری تنزل کرده است و این حرکت را نمی‌توان تکامل دانست. گاهی گمان می‌رود ورود نوجوان به

براساس مقدمه طولانی و مهمی که در این یادداشت عرض شد، چند نکته را می‌توان دریافت:

● اگر قرار باشد فضای مجازی به‌جای اینکه کمکی برای رهایی و استقلال درونی انسان باشد، به وابستگی بیشتر او بینجامد، حتماً در مسیر صحیح تربیت واقعی نخواهد بود. چنان‌که گفته شد، تربیت فرایند تدریجی رها شدن از تعلق به غیر خداست. حال اگر علاوه بر وابستگی‌های عاطفی، طبیعی، اجتماعی، مادی و ... وابستگی به فضای مجازی هم ایجاد شود، خطاست.